

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان
برگردان از: سیلویا بیژن-یان-Bejanian Sylvia
۰۱ اگست ۲۰۱۹

(۲۵/۱) شاهدما بر زمان

از حوادث ۱۱ سپتمبر تا دونالد ترامپ

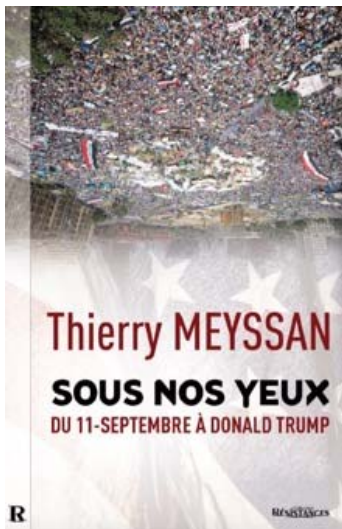
در چند بخش کتاب "شاهدی بر زمان" تی یری میسان را به چاب خواهیم رساند. این نوشته تاریخ هجده سال اخیر را از نگاه نگارنده به جهت خدمت به چندین ملت به رشته تحریر درآورده است. این رساله ای بی نظیری می باشد، چرا که تا کنون هیچ کس به صورت پیاپی نتوانسته شاهد این حوادث در امریکای لاتین، افریقا و خاور میانه باشد، به خصوص با قرار گرفتن در کنار دولت هائی که از سوی کشورهای غربی مورد اتهام قرار گرفته اند.

ولتر شبکه | دمشق (سوریه) | ۳۱ جولای ۲۰۱۹

مطابق بر منشور ۲۶۲۵ مجمع عمومی ملل متحد به تاریخ ۲۴ ماه اکتوبر ۱۹۷۰:

" کلیه دولت ها از سازمان دهی، کمک، برانگیختن، تأمین مالی تشویق، و یا حمایت از فعالیت های مسلح مخرب و یا تروریستی که به تغییر خشونت آمیز یک رژیم بیگانه منتهی می شود و همچنین دخالت در مبارزات داخلی کشورها، نمی توانند فعالیت داشته باشند."

پیش گفتار نویسنده



هیچ آگاهی و شناختی نمی تواند مطلق باشد. تاریخ، به مانند سایر علوم، در برابر عناصری جدید و آنچه تصور می کردیم امری است قطعی اصلاح و غیر فعال می شود. من انتخاب میان "چرخش منطقی" و تفکر یگانه "و احساسات پس-حقیقی" را رد می کنم. و خود را در موضع دیگری قرار می دهم: می کوشم وقایع را از ظواهر و حقیقت را از آنچه نقل می شود، جدا سازم. به خصوص، تا زمانی که انسان ها در پی استثمار هم نوع خود می باشند، تصور نمی کنم روابط بین الملل بتوانند به طور کامل دموکراتیک و شفاف باشند. از این رو، فرای تزویر، طبیعی است که نمی توان با قاطعیت حوادث بین الملل را به هنگام وقوع آنها، تفسیر نمود. حقیقت تنها با گذشت زمان رو می شود. من بر این باورم که شاید در این لحظه تحلیل اشتباهی داشته باشم، اما پیوسته نظرات

خود را ارائه می‌دهم و می‌کوشم مسائل را بهتر درک کنم. این موضوع بسیار مشکل است، زیرا جهان از وجود جنگ هائی رنج می‌برد که باعث می‌شود بلافاصله ما جناح خود را تعیین کنیم.

من خود جناح بیگناهان را انتخاب کرده‌ام، که شاهد ورود بیگانگانی به شهرهای خود بوده‌اند و قوانین خود را به آنها تحمیل می‌کرده‌اند، بیگناهایی که از تلویزیون‌های بین‌المللی تکرار اورادی را می‌شنوند که به آنها گفته می‌شود رهبرانشان ظالم‌اند و باید آنها را با رهبران غربی جایگزین نمایند. بیگناهایی که حاضر به تمکین و سرسپاری نیستند، و از این جهت در زیر بمب‌های تشکیلات سازمان‌ناتو له می‌شوند. من یک مفسرم که می‌کوشد با عینیت قضاوت کند، مردی هستم که با تمام توان ممکن، به کمک مردمان دردمند می‌شتابم.

ادعای من از نگاشتن این کتاب، ارائه‌ی قدمی فراتر از اسناد و شواهد مستقیم حاضر است. با این حال، خلاف نویسندگان پیشین، قصد اثبات سیاست کشورم را ندارم، اما می‌خواهم با در نظر گرفتن رشته‌ی حوادثی که در آن قرار گرفته‌است، عنصری عینی و ذهنی باشم. برخی بر این ادعا مانده‌اند که، خلاف اعتقاداتم، قصد من توجیه فعالیتیم می‌باشد و به طور ارادی و یا غیر ارادی، به جانبداری از مواضعی می‌پردازم. امیدوارم تا آنها بتوانند در تحقق این حقیقت کوشا باشند و بتوانند اسنادی را منتشر و یا منتقل نمایند که من از آنها بی‌خبر مانده‌ام.

اما، نقش من در این حوادث توانسته مرا در شناخت و تصحیح بسیاری از عناصری که برای عموم مردم و بسیاری از بازیگران سیاسی ناشناخته مانده است یاری نماید. این دانش را به طور تجربی به دست آورده‌ام. و قدم به قدم توانسته‌ام منطق حوادث را درک کنم.

برای آن که مخاطبانم بتوانند مسیر فکری مرا دنبال کنند، من به نگاشتن تاریخ بهار عربی اکتفاء نکردم، اما به سه بخش از تاریخ هجده سال اخیر پرداختم، که از سه نقطه نظر متفاوت نگاشته شده‌اند: تاریخ اخوان المسلمین، دولت‌های فرانسه و حکومت‌های ایالات متحده. در این مجموعه، من نظم این بخش‌ها را نسبت به چاپ‌های پیشین بر هم زدم، چاپ‌هایی که در آن عملیات فرانسه در حله نخست مورد توجه واقع می‌شد. باید گفت، قصد من متأثر نمودن مخاطبان بین‌المللی است.

اخوان المسلمین، در کسب قدرت، خدمت‌گذار انگلستان و ایالات متحده بودند و پیوسته در برابر این پرسش قرار گرفتند که چگونه بتوانند کشور فرانسه را در مبارزات خود برای استثمار ملت‌ها به کار گیرند. رهبران فرانسه در برابر اهداف خود، سعی در شناختن منطق فکری اخوان المسلمین نبوده‌اند، حتا از شناختن ارباب آنها که ایالات متحده باشد، باز مانده‌اند، چرا که در نظر آنها تنها سود حاصل از استعمارگری و ثروت‌های ناشی از آن اهمیت داشته‌است. تنها واشنگتن و لندن از آنچه که در حال تکوین و عمل بوده‌است اطلاعات و آگاهی داشتند.

نتیجه این کار به صورت عروسک‌های تو در توی روسی درآمده‌است. سازماندهی حوادث که به نظر خود جوش می‌آیند و به صورت فرایند نهائی برخی تصمیمات جلوه‌گر می‌شوند، از این رو باید به درک تدریجی آنها پرداخت.

گواهی من از آنچه مخاطبان تا کنون خوانده و یا شنیده‌اند، بسیار متفاوت است و برخی از سلسله‌نتایج نوشته‌هایم خواهند ترسید. برخی دیگر، درپی راه حلی برای پایان بخشیدن به این دستکاری‌های عظیم بر خواهند خاست.

در چاپ‌های پیشین با چند اشتباه مواجه شدم که در چاپ‌های بعدی آنها را تصحیح نمودم. این امکان وجود دارد که با اشتباهات دیگری برخورد نمایم که به آنها نیز خواهم پرداخت. شواهدی که ارائه داده‌ام، شاید بر حسب اتفاق باشند، اما به طور مسلم از بار خرد کننده این حوادث به دور نیستند.

توانسته‌ام بر حسب روشنگری‌های این دوره چند مورد کوچکی را به نوشته‌ها اضافه کنم.

مسلم است که هواداران امپریالیزم مرا به سان همیشه به "توطئه گری" متهم خواهند نمود. اتهامی آسان که ۱۵ سال است بر آن پایدار مانده اند. از زمانی که روایت رسمی حوادث ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ را به نبرد فراخواندم، این اتهامات را به طور گسترده بر من وارد می کنند. آنها با این روایت مخالف اند و به طور آشکار از گروه القاعده در لیبیا و سوریه دفاع می کنند، در حالی که کشتار این گروه را در ایالات متحده و فرانسه و بلجیم و غیره محکوم کرده اند. اجماع فکری خبرنگاران و سیاستمداران، مانند دانش مدرسان الهیات و منجمان در برابر کشفیات گالیله بی اعتبار می نماید. هرگز اجماع فکری نتوانسته در پایه گذاری حقیقت نقش آفرین باشد. تنها دلایل و شعور کاربردی اجازه می دهد تا به این حقایق نزدیک شویم.

در واقع، زمانی که اشتباهات جزئی تصحیح می شوند و با در نظر گرفتن سنگینی بار وقایع، برای هر کس که صادق باشد، پاسخی منطقی و هماهنگ وجود خواهد داشت.